

استفاده ظریف از زمان و مکان



1 - گاهی اوقات فرمول «سادگی» و «لطفات» در يك اثر تلویزیونی می‌تواند اثری فراتر از آنچه باید باشد را به همراه بیاورد. جمع شدن این دو ویژگی در کنار هم بسته‌بندی جذابی را می‌تواند ارائه دهد که مخاطب را با هر نوع سلیقه و ذائقه‌ای هم‌دل سازد و ارتباط خوبی برقرار کند.

جام جم آنلاین: 1 - گاهی اوقات فرمول «سادگی» و «لطفات» در يك اثر تلویزیونی می‌تواند اثری فراتر از آنچه باید باشد را به همراه بیاورد. جمع شدن این دو ویژگی در کنار هم بسته‌بندی جذابی را می‌تواند ارائه دهد که مخاطب را با هر نوع سلیقه و ذائقه‌ای هم‌دل سازد و ارتباط خوبی برقرار کند. ارمغان تاریکی، خیلی ساده و راحت، قضاوتی اینچینی را همراه خود دارد.

شکل و محتوا در عین ساده بودن، هماهنگی لازم با هم دارند و یکدیگر را تکمیل می‌کنند. قصه و درام نیز در عین لطافت، حامل مضمون و پیام مشخصی است که البته هیچ‌کدام به نفع دیگری برجسته نمی‌شود و مخاطب را از این جهت آزار نمی‌دهد.

برای فهمیدن «شخصیت‌ها» و روابط نیاز به داشتن «اطلاعات خاص» و پیش‌زمینه نیست و آدم‌ها ساده و راحت پا به درون ذهن مخاطب می‌گذرانند.

قصه نیز از پیچیدگی‌های متعارف و مرسوم که برای سریال‌های تلویزیونی تبدیل به يك «مد» شده‌اند بری است، اما از لطافت و پویایی لازم برخوردار است.

این دو ویژگی طعم شیرین و جذابی به ارمغان تاریکی برای دیدن و دنبال کردن داده است.

2 - در زمانه‌ای که ذائقه و سلیقه مخاطب به دلیل ورود سریال‌های خارجی، ترتیب و ساخت منطقی‌اش دگرگون شده است و عناوینی چون لاست، 24، فرار از زندان و... فرصت نفس کشیدن را از مخاطب گرفته‌اند، یافتن و ساختن سریالی ایرانی که بتواند مخاطب را با خود همراه کند، بسیار مغتنم بلکه هیجان‌انگیز است. در این شرایط تولید اثری که مخاطب‌پسند بوده و در عین حال از هویت و معنای مستقلی برخوردار باشد، کار ساده‌ای نیست و نیازمند دقت در ظرافت‌های بسیاری است.

بازار سریال‌های خارجی پسند مخاطب را در چنبره‌ای مشخص قرار داده‌اند که گریزی از آن نیست. این نکته به این معنا نیست که ذائقه مخاطب سطحی شده است؛ بلکه بیشتر باید گفت که مخاطب امروز تلویزیون ذائقه‌ای «متغیر» پیدا کرده است؛ از این جهت دلربایی از مخاطب مانند کشف و شهودی هنرمندانه می‌ماند.

در چنین اوضاعی، راضی کردن مخاطب و پیوند یافتن با او از طریق يك سریال نمایشی که البته بخش خاصی از تاریخ معاصر ایران را نیز مدنظر خود قرار داده است، کار ساده‌ای نمی‌تواند باشد.

اگر به تاریخ معاصر ایران - بخصوص انقلاب اسلامی - و تلویزیون فکر کنیم به رغم تلاش‌هایی که انجام شده است، تنها سریال نمایشی «رنا» را می‌توانیم پیدا کنیم که در این راه موفق جلوه کند. مجموعه‌ای که در زمان خودش توانست پیوند خوبی با مخاطب برقرار کند. رنا پنجره‌ای ساده و مستند برای دیدن آدم‌ها و مسائل جامعه در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی بود. پس از رنا کمتر فیلم و سریالی را می‌توان دید که توانسته باشد دست مخاطب را بگیرد و با خود به دوران انقلاب ببرد. از این منظر «ارمغان تاریکی» پنجره‌ای است تا ما را به سال‌های ابتدایی دهه 60 ببرد و بدون پیچیده کردن و استفاده از زوایید در جریان شرایط و وقایع آن دوران قرار دهد.

نکته: شیوه داستان‌پردازی به کمک روایت سریال آمده و بدون این که بخواید «ادا» در بیاورد یا «شعاری» شود روایتی داستانی و ساده برای درک مقطعی از تاریخ معاصر ایران، آدم‌ها و روابط میان آنهاست

3 - زمان و مکان، 2 عنصر مهم در آثار تاریخی به حساب می‌آیند. هرچقدر تاریخ نزدیک‌تر باشد اهمیت این دو عنصر بیشتر و البته تاثیرگذارتر است. در واقع به طور کلی توفیق و عدم توفیق آثار تاریخی در درک صحیح این دو عنصر و بهره‌مندی هنرمندانه از آنهاست. سریال‌های «سربداران» و «امیرکبیر» مثال‌های خوبی در این زمینه هستند. استفاده ظریف از زمان و مکان نه تنها وسایل صحنه و لباس بازیگران، بلکه شخصیت‌پردازی، روابط و دیالوگ‌ها را نیز در بر می‌گیرد. مطمئناً ما می‌توانیم آثار بسیاری را به یاد آوریم که از این نظر کمترین «باورپذیری» را داشته‌اند و در پرداخت زمانی - مکانی داستان ناکام بوده‌اند.

ارمغان تاریکی با تدابیری که در قاب تصویر، نوع دیالوگ‌ها و پس‌زمینه صوتی بعضی سکانس‌ها در آن شده است، فهم خوبی از زمان و مکان به مخاطب می‌دهد.

مخاطب امروز، بخوبی به درک دیروز (آغاز دهه 60) می‌رسد و آن را باور می‌کند. نشانه‌های تصویری - صوتی عمدتاً در چارچوب همان زمان هم خوب فهمیده شده‌اند و هم خوب به کار برده شده‌اند.

در برخی سکانس‌ها و برخی لحظات این موضوع از چنان کیفیتی برخوردار است که ناخودآگاه ما را به تصاویری مستندگونه از داستانی مربوط به آن زمان، مواجه می‌سازد.

شیوه داستان‌پردازی به کمک روایت سریال آمده و بدون این که بخواهد «ادا» دربی‌آورد یا «شعاری» شود، روایتی داستانی و ساده برای درک مقطعی از تاریخ معاصر ایران، آدم‌ها و روابط میان آنهاست.

برای این منظور، داستانی خانوادگی که برای همه قابل فهم است، قصه را آغاز و گسترش داده است. از این جهت داستان ضمن این که مخاطب عام را با خود همراه می‌سازد، بستر معرفتی و تاریخی خاص خود را دارد و برای مخاطب خاص نیز جذاب است.

سعید غفاری / جام‌جم